

مهمترین شاخصه‌های تمدن اسلامی از نگاه امامیه

نویسنده: دکتر سید جعفر مسئله‌گو^۱

چکیده

تمدن اسلامی در دوره بلندی از تاریخ یگانه دوران بود و محصول آن پیشرفت و توسعه در علوم و فنون مختلف و جابجای مرزهای دانش بود، در اصالت این تمدن که تحول آفرینی در ذات آن است همین بس که اندیشه توحید در تار و پود آن جاری است و آموزهای مترقی و فرا زمان و مکان اسلام با برقراری پیوند مستحکم بین دین و سیاست، دنیا و آخرت توانسته در کنار تأمین رفاه و آسایش آرامش همان گمشده بشر امروز را تضمین کند دینی که آموزش را در کنار پرورش کارساز و مفید می‌داند بلکه تزکیه نفس را بر تعلیم مقدم و رفاه دنیوی را لازمه سعادت اخروی بداند، آینی که در ضمن به رسمیت شناختن حقوق و حریم خصوصی افراد مصلحت جمع و جامعه را بر افراد ترجیح دهد دینی که در آن اصل عدالت، مساوات، تعاون و برادری اصول چگونگی زیستن معرفی می‌شود ظرفیت آن را دارد که در بلندای قله تمدن سازی قرار گیرد این پژوهش به معرفی مهمترین شاخصه‌های تمدنی اسلام در مقایسه با تمدن غرب می‌پردازد تا از طریق این آشنایی زمینه برای رویش و درخشش دوباره آن تحت عنوان تمدن نوین اسلامی به عنوان نماد تمدن برتر فراهم گردد روش پژوهش توصیفی - تحلیلی برگرفته از منابع کتابخانه‌ای است یافته‌ها نشان می‌دهد آموزهای اسلام بن مایه‌های تمدن ساز در سطح جهانی را داراست و جمهوری اسلامی ایران برای تحقق آن زمینه سازی و تلاش می‌کند از مرزهای دانش عبور کند و پیشرفت آبادانی و آرامش را برای مردم جهان به ارمغان آورد.

واژگان کلیدی: علم، اسلام، تمدن نوین، رفاه، آرامش

۱. استاد همکار، گروه فلسفه، کلام و عرفان اسلامی، دانشگاه مجازی المصطفی، قم، ایران،

مقدمه

تمدن اسلامی دارای سابقه‌ی طولانی درخشانی است که قریب به هزار سال یک‌ه تاز میدان در همه میادین و ساحت‌های علمی و عملی بود. دستیابی به این جایگاه رفیع مرهون تلاش های بی وقفه دانشمندان جهان اسلام در علوم مختلف از جمله فلسفه، ریاضیات، طب، نجوم و فلسفه حاصل شده است؛ علمای مسلمان به برکت امنیت و آرامشی که سر به داران و مدافعان اسلام تامین کرده بودند در سیاست مدن و تدبیر منزل با تاسی به آموزه های اسلامی دستاوردهای فراوان و ارزشمندی را در بلاد اسلامی فراهم آوردند به گونه ای که به تعبیر ویل دورانت «دنیای اسلام در زمینه های گوناگون چه از جهت نظم و اقتدار و بسط قلمرو قوانین منصفانه، آسان گیری دینی در علوم مختلف همچون ادبیات و طب و پژوهش های علمی در جهان سرآمد بود و دنیای مسیحیت نیز تحت تاثیر تمدن شگرف اسلامی قرار گرفته بود و اروپائیان، بسیاری از فنون و و رسوم صنعت و تجارت را از مسلمین فرا گرفتند»^۱. برآستی چه چیزی می توانست موجبات چنین رونق اقتصادی، اقتدار سیاسی و نظامی و پیشرفت در علوم و فنون مختلف موجب شود تا به حدی که چشم دنیا به جهان اسلام، فرهنگ و تمدن مسلمین دوخته شود و روی نیاز به این سوی آورند؟ حافظه تاریخ اسلام پر است از نمونه های فراوان این درخشش تمدنی که بررسی و بازشناسی ویژگی های منحصر به فرد آن می تواند برای جوامع مسلمان فرصت دوباره فراهم آورد تا با ظرفیت های بسیاری که در اختیار دارند با بازگشت به ارزش های اصیل اسلامی و اخلاقی هویت تمدنی خویش را بار دیگر بازسازی نموده و در مسیر تعالی و پیشرفت تمدنی و تحقق آرمان های اسلام ناب به قرائت اهل بیت علیهم السلام قرار گیرند تا مقدمات بنا نمودن مدینه فاضله که بشر در انتظارش است را فراهم آورده و چابک تر از گذشته مرزهای دانش را درنوردند البته چنین چشم اندازی در سایه تربیت صحیح اخلاقی و دینی شکل خواهد گرفت و در آن نسخه ی کامل تری از تمدن به عنوان الگوی برتر به جهان معرفی خواهد شد تمدنی که

پاسخگوی تمام نیازهای و مشکلات بشر باشد و او را در مسیری رهنمون گردد که به رشد و کمال حقیقی رسیده و خود را به انسان کامل نزدیک کند هدف از فلسفه خلقت انسان نیز رسیدن به چنین مقامی است مرتبه ای که امنیت، رفاه مادی و آرامش معنوی را برای نوع بشر به ارمغان خواهد آورد؛ در تحقیق پیش رو بر آنیم تا مهمترین شاخصه های تمدن اسلامی در مقایسه با تمدن غرب را از نگاه شیعه توصیف و تحلیل کرده و آن را به عنوان نقشه راه معرفی نمائیم نقشه ای که کاربست آن ترقی و تعالی و رشد جوامع انسانی در همه زمینه ها را در پی دارد بر اساس این شاخصه ها انسان کامل معمار بزرگ این تمدن معرفی شده است، در این تمدن عدالت، توسعه و سازندگی در تمام ابعاد بر اساس تربیت اخلاقی و دینی شکل می گیرد. و هدف آن تعالی انسان و رسیدن او به کمال واقعی است؛ این نوشتار صرفاً به توصیف شاخصه ها نمی پردازند بلکه عناصر و مولفه های تمدن ساز بر اساس قرائت شیعه از آموزه های اسلام تبیین و تحلیل می شود تا بر مبنای آن الگوی جامع تر از تمدن اسلامی ارائه گردد طرّحی که مسلمانان در پرتو راهنمایی آن و کاربست هر چه بهتر آموزه های دینی دوباره عظمت تمدن اسلام را بازگردانده و زمینه را برای حکومت جهانی انسان کامل آماده سازند حکومتی که تنها در سابه آن همه مردم جهان طعم شیرین وفاء و آرامش و آسایش واقعی را خواهند چشید

در این پژوهش به دنبال آن هستیم نشان دهیم آنچه در گذشته موجب رونق این تمدن بوده کاربست آموزه های فرا زمانی و مکانی و مترقی اسلام توسط مسلمین و شاخصه های ویژه آن به عنوان اصل زیر بنا بوده است. این مقاله در صد بازخوانی مهمترین مولفه های تمدن اسلامی همراه با شناسایی ظرفیت ها کلان آن برای ساختن تمدن نوین در سطح جهان است و همانگونه که در گذشته به همت تلاش دانشمندان مسلمان و حمایت حکومت های وقت تاریخ شاهد تابش آن بر تارک عالم بود امروز نیز می تواند چنین و یا بهتر از گذشته باشد.

مفهوم شناسی تمدن

تمدن از واژه لاتین civilization به معنای شهری شدن به شهری که نظام واره است اطلاق می گردد شهر مجموعه ای از نهاد ها و سازمان هاست که برای نیل به هدف مشترک با یکدیگر تعامل اجتماعی دارند باید توجه داشت که شهر در اینجا علت تمدن نیست بلکه جزء آن است^۱ شهر را در هر صورت می توان نماد یک زندگی جمعی همراه با پذیرش نظم اجتماعی تلقی نمود که به خلاقیت فرهنگی بینجامد^۲ البته تمدن به خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان نیز تفسیر شده است^۳ البته برخی نیز آنرا به معادل شهر آیینی به معنای حسن معاشرت گرفته اند^۴ از این تعریف پیداست تمدن دارای هویت اخلاقی نیز است گرچه با شروع انقلاب صنعتی در غرب و فرانسه از قرن ۱۸ به بعد معنای اخلاقی خود را که به معنای ادب در رفتار فردی و نه اجتماعی بود را از دست داد و صرفاً به معنای نظم اجتماعی و جامعه یا معرفت نظام یافته در مفهوم تمدن لحاظ گردید؛ مفهوم جدید تمدن در غرب در نیمه قرن دوم ۱۸ در فرانسه مفهوم سازی شد و به معنای « طراحی جامعه ی که در آن حقوق و قوانین مدنی جایگزین قوانین نظامی شد به کار رفت^۵ و مراد از آن تنها پیشرفت دنیوی بود

۱. برنال ۱۳۵۴ ص ۸۶.

۲. ویل دورانت ۱۳۷۰ ص ۱۲۵

۴. معین ۱۳۶۵ ج ۲ ص ۵۹.

۵ Bruce Mazlish, civilization in a historical and global perspective international

Sociology ۲۰۰۱ ۱۶:p ۲۹۴.

و نه دینی^۱ معادل این واژه در عربی " الحضاره " به معنای حضور و تجمع است^۲ آنچه در تعریف این اصطلاح روشن است این است که تمدن عبارت است از مرحله از زندگی که انسان وارد شهر نشینی شده است و دیگر از سبک زندگی بدوی گذشته خبری نباشد^۳ عده ای نیز تمدن را حاصل تلاش جمعی بشر در گذار از مراحل تکامل اجتماعی و رسیدن به یک زندگی شهری می دانند که با بهره گیری از خرد و دانش بتوان به سوی متمدن شدن گام برداشت^۴ برخی دیگر از اندیشمندان مسلمان مانند علامه جعفری تمدن را برقرای نظم اجتماعی در قالب جامعه و ساختاری می بیند که در سایه آن زمینه بروز و به فعلیت رسیدن استعداد های سازنده افراد و گروه ها فراهم شود^۵ داوری اردکانی نیز در تعریف تمدن چنین گفته است: « فرهنگ ظاهر تمدن است »^۶ ارتباط تمدن با فرهنگ از بحث برانگیز ترین مقولات در تمدن است برخی اندیشمندان غرب مانند تایلر و وایزر این دو را مترادف هم می دانند و در مقابل دیگرانی مانند کلریج فرهنگ را در مقابل تمدن دانسته و در عین حال بر ضرورت اخلاق پرورشی (cultivation) تاکید دارد او تمدن منهای این ویژگی را یک بیماری می داند نه سلامت.^۷ ماکس وبر فرهنگ را امر ذهنی و تمدن را فرهنگ مادی می داند از نظر او تمدن یک امر دینامیک و محصول مدرنازیسیون است^۸ هانتینگتون تمدن را

۱. چنگیز پهلوان فرهنگ و تمدن تهران نشر نی ۱۳۸۸ ص ۳۵۹.

۲. لسان العرب

۳. کاشفی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی ص ۱۱

۴. دائره المعارف البستانی ج ۶ ص ۲۱۳

۵. جعفری محمد تقی فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو ج ۶ ص ۴۴۴

۶. داوری اردکانی اتویی و عصر تحجدد

۷. به نقل از فرهنگ و تمدن چنگیز پهلوان ص ۳۶۰

۸. نصر تاملاتی درباره انسان وآینده تمدن پژوهش های علم انسانی ش ۴ و ۱۱۴

گسترده ترین واحد مستقل فرهنگی می داند و معتقد است تمدن بالاترین سطح گروه بندی و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی افراد است.^۱

تمدن ها بر اساس نوع شکل گیری، مکان و زمان و جغرافیا قوم و نژاد، دین و مذهب دارای اشکال مختلفی هستند که بر اساس ویژگی های هر یک می توان آنها را از یکدیگر تمییز داد و طبقه بندی نمود به این دلیل که تمدن ها به مانند یک روند دائم در حال تحول و تغییر هستند؛ تمدن اسلامی شامل تمدن امویان تمدن عباسیان تمدن آل بویه و دیگر تمدن های شرقی مانند بودایی تمدن هندی و در غرب تمدن مسیحیت تمدن یهود نمونه های از این تمدن هاست.

تمدن اسلامی یا تمدن مسلمانان هرچه که باشد- گر چه برخی این دو را از یکدیگر تفکیک می نمایند ولی تمدن مسلمانان نیز تحت تاثیر آموزه های اسلامی شکل گرفته و هویت اسلامی را می توان کم و بیش در اجزا و ساختار آن به مشاهده کرد- دارای مختصات و شاخصه های ممتازی است که می توان آن را از دیگر تمدن ها به خوبی بازشناخت. تمدن اسلامی یک تمدن برآمده از دین، جهان بینی الهی و توحیدی است و همانگونه که از نام آن پیداست اساس بر محور آموزه های اسلامی افراشته گشته است. مثالی از این دست معماری بناهای دینی و مذهبی در اشکالی که در تار و پود آن فلسفه آفرینش و حرکت کثرت یعنی همه موجودات به سمت وحدت و اصل خویش که خدای متعال باشد نمایان و هویداست.

در اینجا لازم است به این نکته توجه داده شود که واژه تمدن با همه تعریف، تفسیر و ترجمه های که از آن شده است همچنان دارای یک مختصات روشن و شفاف نیست و ابهام دارد؛ برخی ادعا می کنند تمدن با فرهنگ آنچنان گره خورده که اساسا نمی توان و نباید آن را از یکدیگر تفکیک کرد چنانچه در ادبیات غرب تا پیش از عصر مدرنیته نیز اینچنین بود؛ تحقق تمدن بدون فرهنگ به نظر می رسد امری نا ممکن است چرا که حتی اگر به معنای دستاوردهای صرفی مادی بشر نیز باشد بدون پشتوانه علمی و فرهنگی تحصیل نخواهد شد. البته تبیین و تحلیل معناشناختی این دو اصطلاح و بیان اشتراکات و یا تفات های این دو و

اقوال مختلفی که در این باره وجود دارد موضوع بحث ما نیست. خوانندگان محترم می توانند برای آشنایی بیشتر با سیر تطور معنای تمدن به مقاله " تبارشناسی مفهوم تمدن در غرب جدید" اثر حبیب الله بابایی مراجعه نمایند.^۱

تمدن اسلامی

تمدن اسلامی تمدنی مبتنی بر جهان بینی اسلامی است نه به این معنا که مظاهر آن جملگی برگرفته از مَرِّ قرآن و سنت باشد بلکه مراد تمدنی است که بعد از ظهور اسلام پدیدار گشت شکل تازه ای به خود گرفت و توسعه یافت تا پیش از اسلام از آن اثر و خبری نبود دکتر سید جعفر شهیدی و دکتر آینه وند دارای چنین نگاهی به تمدن اسلامی هستند. تمدن اسلامی در واقع یک تمدن دینی است یعنی تمدنی که ملهم از قرآن و سنت است به این معنا که مولفه های آن بر محور دین استوار گردیده است و علقه ی فراوانی با آموزه های دینی دارد، تمدن اسلامی یک تمدن الهی و توحیدی است که به دست مسلمانان شکل گرفته است و دارای مولفه های عقائد، احکام و اخلاق است و بزرگ منادی عدالت و مساوات است بین انسان هاست، انسان در این تمدن دارای اختیار و مسئولیت است به همین دلیل به عنوان اشرف مخلوقات عالم و معمار این شناخته می شود بنا بر اعتقادات شیعه خدای متعال همه چیز یعنی عالم را برای انسان آفرید و مسخر او ساخته است و انسان را برای عبودیت خود آفرید و تنها اوست که ظرفیت رسیدن به مقام خلیفه الهی را بر روی زمین را داراست.

۱. بابایی، حبیب الله؛ تبارشناسی مفهوم تمدن در غرب جدید آینه پژوهش، سال بیست و هشتم ش اول

تمدنی که اسلام قرار است بسازد به دلیل اینکه جهانی است^۱ و جهانی می اندیشد یک تمدن جهانی بر مبنای توحید است اسلام سایر تمدن های بشری را چنانچه تعارضی با هویتش نداشته باشد به رسمیت می شناسد و آن را به خدمت می گیرد و حتی خود خلعت زیبا تری می بخشد

اسلام دارای قوانین مترقی فقهی و اصولی است که در هر زمان می تواند پاسخگوی نیازها و مقتضیات روز باشد مهمترین و بالاترین کمال در روایت شیعه تقدیر المعیشه^۲ معرفی شده است به معنای تدبیر برای رفاه در سایه رونق اقتصادی، احکام اسلام دارای ویژگی ممتازی بوده برخی تاسیسی و برخی دیگر امضایی هستند و این قابلیت موجب شده تمدن اسلامی علاوه بر آنکه خود مولد است از دستاوردهای تمدنی دیگران نیز برای اهداف تمدنی خود بهره می جوید بنابراین دارای میراث و گنجینه با ارزش تمدنی است آنچه اسلام می خواهد بنا بر آنچه از روح آیات و روایات پیامبر و اهل بیت استفاده می شود؛ استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی توأم با آزادی اجتماعی در همه ابعاد و زمینه هاست^۳

شاخصه های تمدن اسلامی با تاکید بر نمونه های عینی تمدن

۱. جهان بینی توحیدی

تمدن اسلامی دارای جهان بینی توحیدی است؛ یعنی انسان شناسی، هستی شناسی و آخرت شناسی آن همه بر محور توحید است؛ و توحید مهمترین شاخصه و ویژگی تمدن جامعه مسلمین طبق شریعت و آموزه های اسلام است. اسلام در واقع عبارت است از عبودیت یعنی تسلیم محض بودن در برابر پرودگار عالم و اقرار به وحدانیت و ملکیت مطلق او بر همه چیز

۱. ان الدین عند الله الاسلام آل عمران ۱۹

۲. الکمال کل الکمال التفقه فی الدین و الصبر علی النائبه و تقدیر المعیشه امام باقر علیه السلام بحار الانوار

ج، ۷۸، ص ۱۷۲

۳. و اعدو لهم ما استطعتم من قوه

، همچنين اعتراف انسان به فقر و نیاز ذاتى خود به خدا^۱ قرآن کریم در این باره مى گوید: «تبارک الذی بیده الملك و هو على کل شیء قدير» (الملك ۱) در این جهان بینى انسان موجودى است داراى شعور، اراده و اختیار که خداوند همه عالم را مسخر او ساخته است و در خدمت او درآورده است و او را برای بندگى خود در نظر گرفته است انسان با ظرفیت هاى که دارد به عنوان یک موجود عاقل در این نظام با پیروى از دستورات خداوند و سر سپردگى در برابر او ظرفیت رسیدن به مقام خلافت الهى بر روى زمین را دارد و همانگونه که گذشت زمان و زمین و زمینه همه چیز برای او در این دنیا فراهم شده است؛ راه و راهنما شناسى و فرجام شناسى که اسلام ارائه مى دهد نقشه راه بشر برای رسیدن به چنین مقامى است که بستر و مقدمه رسیدن به این درجه از کمال و سعادت معنوى، بر پايى تمدن با شکوه اسلامى است.

۲. اعتقاد به اصل نبوت

دومین اصل و شاخصه تمدن نظام اسلامى عبارت است از اعتقاد به اصل نبوت به این معنا که خداوند برای شناسندن خود به بشر و جهانى که در آن زندگى مى کند رسول انى قرستاد تا هدایت گر او باشند و انسان بدون راه و راهنما نماند خود و جهانى که در آن زندگى مى کند را بشناسد از همه قابلیت و ظرفیت هاى خود و امکانات که در اختیار دارد استفاده درست و كافى وافى را ببرد نظام و جامعه اى یکپارچه و منظم بسازد تا بر بستر آن تمدن انسانی و اسلامى را بنا نهد

باور هاى دیگر مسلمین عبارت است از باور و ایمان به کتب و همه پیامبران و فرشتگان و معاد و عدل و امامت که مى تواند مشترکات و نقاط تفاهم خوبى برای اتحاد با دیگر اقوام و ملل و مذاهب و ادیان باشد.

۱. یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله والله هو الغنى الحميد فاطر ۱۵

در اسلام دین عبارت است از مجموعه کاملی از عقاید احکام و اخلاق برای عمران دنیای بشر در سایه سبک زندگی دینی و آبادانی آخرت او

۳. پاکی و پاکیزگی

توجه به بهداشت جسم و روح و سلامت این دو می تواند نقش مهمی در سلامت فرد و به تبع آن جامعه داشته باشد و به شکل گیری و توسعه تمدن اسلامی کمک شایانی نماید. پاکی و پاکیزگی از ویژگی های مهم و اساسی در دین اسلام است قرآن کریم در این باره می فرماید: «ان الله يحب التوابين ويحب المتطهرين» (بقره ۲۲۲) خداوند پاکان و پاکیزگان را دوست دارد.

نکته قابل تامل در اینجا تاکید آیه بر سلامت و پاکیزگی جسم و روح با هم است در روایتی از پیامبر خدا آمده: «پاکیزگی نیمی از ایمان است». این اصل شامل مجموعه کاملی از دستوراتی است که زندگی فردی و اجتماعی را در بر می گیرد. اساسا رعایت بهداشت جسم و سلامت آن متقابلا بر سلامت روح تاثیر مستقیم دارد؛ به تعبیر مشهور «عقل سالم در بدن سالم است» ظرفیت شکوفا شدن استعدادهای بشر در جسم سالم و شاداب بیشتر است انسان سالم خلاق تر است و بهتر می تواند بیندیشد و تصمیم بگیرد.

در اسلام همانگونه که بر رعایت اصول تغذیه جسم تاکید فراوان شده است بر تغذیه صحیح روح نیز تاکید فراوان شده است؛ «فلينظر الانسان الى طعامه» (عبس ۲۴) «بایست انسان به غذای خویش بنگرد (اندیشه کند)» یعنی رعایت اصول بهداشت مانند اینکه چه چیزی را می خورد؟ از کجا و چگونه بدست آمده است؟ و به آثار آن نیز توجه داشته باشد؛ این نکات شامل غذای روح نیز می شود.

رعایت بهداشت و اصول تغذیه روح به این است که از علم نافع و سودمند سیراب شود، اصل پرهیز که برای مصونیت از بیماری های جسمی تجویز می شود در پیشگیری بیماری های روحی نیز کاربست دارد بیمارهایی مثل غرور و عجب و تکبر و حسادت ریاء و بخل و سایر رذائل اخلاقی و روحی آفت سلامت روح هستند.

در اسلام آب مظهر پاکی و پاکیزگی است؛ خاک نیز پاک کننده است؛ و آفتاب نیز چنین ویژگی دارد و از همه مهمتر خود اسلام که مظهر طهارت و پاکی است. در آموزه های دینی صرفا بر پاکیزگی جسم و صورت تاکید نشده بلکه کسب سیرت زیبا از اهمیت بالاتری برخوردار است. انسان پاکیزه شهر پاکیزه را می سازد و شهر پاک و سالم از از آلودگی های زیست محیطی و رزدائل اخلاقی تجلی بارزی از تمدن است.

٤. اصل مساوات و برابری

یکی دیگر از شاخصه و مولفه های اساسی و بنیادین در تمدن اسلامی اصل مساوات است. از نظر اسلام همگان در پیشگاه خدای متعال برابر و دارای پاداش و یا جزای برابر متناسب با عمل خود می باشند فقیر و غنی با سواد و بی سواد و یا کم سواد سیاه و سفید یکسان هستند در نگاه خدای متعال آنچه مردمان را از یکدیگر متمایز می کند چیز دیگری غیر از تقوا نیست: «یا ایها الانسان انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قباثل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم» (حجرات ١٣).

ارزش برابری چیزی نیست که بتوان نادیده گرفت یا کلیشه ای با آن برخورد کرد؛ اسلام می آموزد در نگاه خداوند همه مردمان برابرند یعنی همه در اصل انسان بودن مشترک می باشند و برخی را بر برخی دیگر برتری و فخری نیست البته این برابری به معنای انکار تفاوت در نظام خلقت و ویژگی های فردی به لحاظ جنسیت و استعداد های آنان نیست بلکه به این معنا که در اصل تکلیف، استحقاق مدح و ذم، عقاب و ثواب رسیدن به کمال معنوی مشترک هستند در اجتماع نیز همگان بایست از خدمات فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و .. برخوردار باشند و این حق آنهاست چراکه در آموزه های اسلام چیزی به نام

نژاد پرستی، مرد سالاری^۱، زن سالاری، فرزند سالاری، نظام ارباب و رعیتی وجود ندارد آنچه دین (قرآن و سنت) می گوید شایسته سالاری است.^۲ در اجتماع همه افراد اجتماع از نظر اسلام دارای حقوق و مزایای یکسان بایست باشند از حق آزادی حق مالکیت حق سواد آموزی حق اسایش و رفاه اجتماعی و ... یکسان باید برخوردار باشند.

۵. تاکید بر اصل اتحاد و اخوت

از دیگر شاخصه ای تمدن اسلامی یک پیکره بودن آن است^۳ و اهمیت این ویژگی در اسلام بی تردید امری بنیادین است بگونه ای که در اسلام یک مسلمان نمی تواند با برادر و خواهر مسلمان خود بیش از سه روز قهر باشد؛ این نص روایت پیامبر اسلام است: لایحل لاحد یومن بالله ان یهجره اخاه فوق ثلاثة ایام... (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۲). یا اینکه پیامبر خدا مسلمان را اینگون توصیف می کند: مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در سلامت و آسایش باشند. (محجة البیضاء، ج ۳، ص ۳۵۸). در اسلام از مرفقی ترین اصول اخلاقی برای معاشرت با مردم اصلی است که در این آیه از قرآن کریم به آن اشاره می شود: «لن تتالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون» و روایت امام صادق خطاب به معلی بن خنیس نیز به همین معنا اشاره دارد: «ایسر حق منها ان تحب له ما تحب لنفسک و تکره له ما تکره لنفسک» (محجة البیضاء، ج ۳، ص ۳۵۸).

۶. اصل عدالت

-
۱. مرد سالاری غیر از آن است که قرآن می گوید: الرجال قوامون علی النساء در این ایه مراد قدرت سررستی مرد در میریت خانه است نه در اجتماع و نه به معنای برتری جنس مرد بر زن باشد آیه در قام تبیین وظیفه است نه مزیت کتاب زن در آئینه جلال و جمال نوشته آیه الله جوادی آملی صفحه ۳۶۵ تا صفحه ۳۶۹
۲. بهترین دلیل قرآن در خواست یوسف از عزیز مصر برای وزارت است «اجعلنی علی خزان الارض انی حفیظ علیم» شرائط را چون دارا بود چنین درخواستی کرد هم حفیظ و هم علیم بود.
۳. واعتصمو بحبالله جمیعاً ولا تفرقوا آل عمران ۱۰۳

اسلام نظامی برآمده از عدالت و میانه روی در اقتصاد و زندگی است مدافع مظلوم و دشمن ظالم است و دفاع از مظلوم (هر که باشد در هر کجا که باشد) را لازم و اجب می داند؛ چنین اسلامی تنها در قرائت شیعه یافت می شود که منادی چنین سبک زندگی است یعنی مسلمان هر جا اشک مظلومی را دید باید در برابر ظالم بایستد؛ خداوند در قرآن کریم نیز بر این اصل تاکید فراوانی دارد؛ در جای که می فرماید: «اعدولو هو اقرب للتقوى»^۱ حسن عدالت در اسلام ذاتی و عقلی است یعنی هر جا عدالت باشد، خوب است عدالت عبارت است از «اعطاء كل ذي حق حقه» عدالت درباره هر کس باید به اقتضای خود او تفسیر شود مثلاً برای هر دانش آموز باید کفش متناسب با اندازه پای او را در نظر گرفت نه اینکه به همه کفشی با اندازه و شماره مشابه داد این عدالت نیست بلکه مراد آنست که به لحاظ جنس و قیمت شبیه باشند البته تعریف مشهور در معنای عدالت عبارت است از "وضع كل شيء موضعه" یعنی قرار دادن هر چیز در جای خویش. اختلاف در این است که موضع هر چیزی کجاست؟ و حق هر شخصی کدام است در تعیین این حدود اختلاف است.

۷. امر به معروف و نهی از منکر

از مهمترین اصول و آموزه های دین اسلام اصل مهم امر و نهی معروف و نهی از منکر است که در قرآن و احادیث مورد تاکید قرار گرفته است: «کنتم خیر امه تاملون الناس بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله... آل عمران ۱۱۰»

قرآن کریم می فرماید: «ان الله يامر بالعدل والاحسان و ايتا ذی القربى و و ينهى عن الفحشاء والمنک و البغى يعظم لعلکم تذکرون» نحل ۹۰

امر به معروف از مهمترین فروع دین است که دیگر واجبات در سایه آن اقامه می شود و امنیت راه و جاده ها و شهرها از هر حیث چه به لحاظ اخلاقی و چه غیر آن از این راه تامین

می‌شود^۱ امروزه معروف و نهی از منکر از اصولی است که اگر درست تبیین شود و اجرا گردد بهترین ابزار برای تشویق افراد به انجام کارهای خوب و پرهیز از محرمات و تضمین حیات و سرزندگی جامعه است و به رشد و توسعه تمدن و پایداری و حفظ آن کمک خواهد کرد و فقر و فساد و تبعیض را ریشه کن خواهد نمود این اصلی است که در هیچ حال نباید ترک گردد ولو به قیمت بذل جان و مال انسان باشد قیام امام حسین علیه السلام در برابر ظلم یزید فرعون تاریخ اسلام بهترین الگو و مصداق عمل به چنین اصل مهم و ضروری است که حیات جامعه در گروه عمل به آن است.

۸. کرامت زن در اسلام

اسلام بر خلاف غرب به زن نگاه ویژه ای دارد و حقوق و اختیارات مرفقی و فراوانی برای او قائل بوده و هست در اسلام زن یک موجود فرودست و درجه دوم در مقایسه با مرد به شمار نمی‌آید به دلیل اهمیت جایگاه زن در اسلام یک سوره کامل "نساء" در قرآن کریم به آنان و حقوق ایشان اختصاص یافته است. اسلام تاکید می‌کند همه بشریت مرد و زن با فطرتی پاک و پاکیزه متولد می‌شوند در اسلام بر خلاف مسیحیت دیگر سخن از گناه ذاتی^۲ در میان نیست و مرد و زن در برابر خداوند متعال هر دو دارای تکلیف و مسئول هستند و می‌بایست اخلاق و رفتار خود را به زینت فضائل اخلاقی آراسته و از رذائل اخلاق دوری گزینند. در اسلام زن مالک دارای‌ها خود است و پس از ازدواج نیز هویت خانوادگی و فامیلی خود را حفظ می‌کند اما در غرب پس از ازدواج فامیلی زن به فامیلی شوهر تغییر می‌آید و به نام شوهرش او را می‌شناسند. زنان حق مشارکت در صحنه‌های اجتماعی هم پای مردان را دارند از جمله حق تحصیل، اشتغال در بیرون خانه و

۱. نهج البلاغه

۲. گناه ذاتی از آموزه‌های مسیحیت است به این معنا که انسان ذاتاً گناهکار متولد می‌شود به دلیل گناه آدم و حوا آموزه‌ای که در اسلام مورد قبول نیست. ر.ک احمدی طباطبایی، ۱۳۸۵ شرح نگاه آگوستین در کتاب شهر خدا.

٩. پوشش زن و مرد

اسلام در خصوص پوشش زن و مرد نیز نگاه تمدنی دارد در اسلام مرد و زن هر دو موظف هستند عفاف و حیا را در پوشش خود به نمایش بگذارند^۱ حتی در نگاه خود باید حریم حیا و عفاف را نگاه دارند البته این حیا و عفاف مختص به نگاه و پوشش نیست بلکه در تمام اعضاء و جوارح خود باید این اصل را رعایت کنند و به آن پایبند باشند. چرا که در اسلام شخصیت این دو ملاک توجه است و نه جنسیت ایشان بخصوص زن.

اسلام برای پوشش مرد در خانه و اجتماع و حریم خصوصی نیز دستورات خاص به خود را دارد لکن در حریم اجتماع نه زن و نه مرد نمی تواند پوشش غیر عرف و ناهنجاری داشته باشند که آنان را انگشت نما کرده و به تعبیر فقها لباس شهرت باشد؛ لباس اختصاصی هیچ یک را دیگری نباید بپوشد چرا که موجب فتنه و مفسده است هم مفسده فردی و هم اجتماعی را در در پی خواهد داشت.^۲

مردان گر چه ملزم نیستند موی سر خود را بپوشانند ولی نمی توانند با لباسی بیرون بیاند که با نمادهای اسلامی و آموزه های دینی یا اخلاقی تعارض و یا ناهماهنگی داشته باشد مانند اینکه لباس های بدن نما و یا اندامی تنگی برتن کنند که برجستگی های بدن را آشکار می سازد؛ در این باره مرد و زن با یکدیگر مشترک هستند.

زنان به دلیل اقتضات زنانگی و جنسیت خود دارای جایگاه حساس تری نسبت به مردان هستند از همین رو احکام فقهی و اخلاقی خاص و مناسب با شان خود را دارند مانند اینکه آنان باید زیورآلات و زینت خود را در برابر نامحرم بپوشانند: «ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لایدنین زینتهن الا لبعولتهن» (نور ایه ۳۱) «مشر به همین ویژگی است؛ خمار

۱. (نور) ۳۰ به مردان و زنان مومن بگو چشم خود را فرو نهاده و پاکدامنی پیشه سازند

۲. اجوبه الاستفتاءات مقام معظم رهبری نسخه اینترنتی به آدرس

در زبان عرب به معنای روسری بزرگی است که موهای زنان را در نماز بپوشاند و اینکه می گوید آنرا روی سینه قرار دهند منظور پوشاندن حریم خصوصی آنان است که البته هر دو چه مرد و چه زن موظف هستند آن را بپوشانند بلکه هر گونه آرایش و زینت در مرثا و منظر نامحرم ممنوع است بجز صورت و دست ها تا میچ که در فقه شیعه استثناء شده است.

اینکه نگاه اسلام به پوشش زن و مرد و حفظ حریم محرم و نامحرم در پیدایش و توسعه تمدن اسلامی و شکوفایی آن چه تاثیری دارد؟ پاسخ این سوال را می توان خیلی کوتاه و فشرده در این عبارت خلاصه کرد که اسلام جامعه را مکان امنی برای ابراز و ارضاء هیجانات جنسی نمی داند نه آنکه بخواهد آن را سرکوب نماید خیر؛ بلکه کنترل آن را در قالب ازدواج آسان برای سلامت حیات فرد و جامعه امری لازم و اجتناب ناپذیر می داند. اصولا همانگونه که گذشت نگاه اسلام به زن و مرد نگاه به جنسیت نیست یعنی مرد و زن را کالا نمی بیند و با به شدت مخالف است بلکه شخصیت انسانی هر دو مورد توجه است که باید به آن توجه شود.

۱۰- معماری در اسلام

معماری اسلامی تلفیقی از الگوی های دینی و دنیوی است. از آغاز اسلام تا کنون چنین بوده است در طراحی و سبک ساخت و ساز ابنیه، بازار، مسجد و مدرسه همچنین معماری شهر ها در فرهنگ اسلامی از سایر فرهنگ ها الهام گرفته شده است که نوعا با نوآوری مسلمانان و تغییراتی همراه بوده که از آموزهای دینی برآمده است؛ مانند اینکه در اسلام توصیه می شود خانه ها روبه قبله بنا شود به دلیل روشنایی و نور و گرمای خانه یا علل دیگری که چندان زوایای آن برای بشر امروز معلوم نیست و بر سلامت جسم و روح در خواب و بیداری تاثیر مستقیم دارد. یا به دلیل حفظ حریم محرم و نامحرم، شهرسازی و یا معماری اسلامی و سبک خانه سازی به گونه ای طراحی شد که خانه ها به یکدیگر اشراف و دید نداشته باشد؛ مانند خانه ی عباسی ها، بروجردی ها و ... در کاشان و نمونه های فراوان دیگری از این دست یا مانند خانه های خشتی و گلی در بافت تاریخی یزد، معماری خانه به گونه ای است که حتی خانه ای با زیر بنای کم در حدود ۱۵۰ متر به سبکی ساخته شده که از هیچ کجا، بالای پشت بام خانه ها و یا همسایه ها به اندورن و حیات خانه دید ندارد.

يکى ديگر از اصول معماری اسلامى در شهر سازى که در گذشته مورد توجه جدى قرار داشته است، هارمونی و پیوند بين اجزائى مختلف شهر است که ضمن حفظ یکپارچى از زیبایى خاصى برخوردار است و آرامش و امنیت خاصى به بیننده منتقل مى کند چنین پیوند و سازگارى در معماری گذشته شهرهاى اسلامى بين بازار و مسجد، مدرسه و حمام و اب انبار برقرار است و اينها در کنار هم به بهترين شکل قرار مى گرفتند و البته چنین نگاهی بر گرفته از آموزه هاى اسلامى است در روايت آمده است الفقه ثم المتجر اول آشنایى با احکام معاملات آنگاه تجارت، يا اول طهارت و آنگاه عبادت، وضو مقدمه نماز است، کسبه بازار در گذشته ابتداء در مدرسه با فقه آشنا آنگاه به کسب و کار مشغول مى شدند و آنان که مى خواستند وارد مسجد شوند ابتدا با طهارت و پاکی به آن وراد مى شدند و يا قرار گرفتن يا بنا شدن شهر در کنار گورستان و آرامستان ها که محل آمد و شد مردم بود و در ایام شادى و يا غم و اندوه با حضور بر سر مزار ایشان یاد آنان را زنده نگاه مى داشتند. و اين ساختار و اصول در اخلاق و آداب و سبک زندگى و تهذيب نفس اثر بلیغى داشته است و اين نگاه و اين معماری به يقين با آرامش فکرى و امنیت خاطرى که برای افراد در بر داشت به پویایى و تحرک و نشاط جامعه کمک مى کرد.

نمونه هاى تبيکال معماری اسلامى را مى توان مساجد زیارتگاه ها، قلعه هاى قدیمى، کاخ ها، مدارس علیمه و مکتب خانه ها همچنين ساختمان هاى شهرى دانست البته شهر سازى اصولی دارد که برخى آن را با مسکن سازى اشتباه مى گیرند. شهر سازى مسکن سازى نیست دارای مبانى و اصول مقدمات زمین شناسى، اقلیم شناسى است که تا آماده نباشد نمى توان و نباید سراغ مسکن سازى رفت.

۱۱. صنعت و کشاورزى

آموزه هاى اسلامى در بخش صنعت و کشاورزى نیز قابل توجه است، سیره معصومين و روح آموزه هاى اسلامى بر آبادانى زمین دلالت دارد؛ روايات زيادى در رابطه با اهميت

عمران و آبادی مزارع، غرس اشجار و حفر آبار در متون روایی شیعه وجود دارد مانند این روایت معروف که می گوید اگر اجل انسان رسید و او مشغول غرس شجری است و فرصتی به او داده شود بهتر است که قبل از هر کار دیگری کاشت درخت را به پایان برساند. در خصوص پیشرفت و توسعه در بخش صنعت و تجارت آیات قرآن و روایات اسلامی مسلمانان را به استقلال و تجهیز به تمام ادوات لازم در برابر دشمن امر می کند تا مبادا دشمن از این راه سلطه ای بر مسلمانان داشته باشد:

«واعدو لهم ماستطعتم من قوه» انفال: ۶۰

«لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» نساء ۱۴۱

۱۲. مبارزه با خرافه پرستی

خرافه پرستی در اسلام حرام و هر گونه توجیه عقلی، شرعی یا اخلاقی برای این کار وجود ندارد اساسا اسلام هیچ سنمی با دنیای وهم و خیال ندارد و آن را به رسمیت نمی شناسد و اجازه نمی دهد سلسله ای از اباطیل و خرافات فکر و شعور انسان را به بازی بگیرد و او و جامعه را از رشد و نمو باز دارد اما دیده می شود در بسیاری از جوامع صنعتی غرب این امر همچنان رواج دارد. پیامبر اسلام از آغاز دعوت تا آخرین لحظات حیات خود با تمام توان در برابر خرافه پرستی در قول و عمل مبارزه می کرد؛ داستان مرگ یکی از فرزندان پیامبر خدا و تقارن آن با کسوف آسمانی در تاریخ معروف است؛ پیامبر اسلام با وجودی که می توانست از این پدیده طبیعی و جهل مردم به نفع خود برای دعوت بیشتر به آیین اسلام بهره ببرد چنین نکرد.^۱

در اسلام کھانت و تشاءم زدن، تنجیم و امثال آن که به ضلالت و گمراهی فرد و جامعه بینجامد حرام است^۲ و در روایتی از پیامبر اسلام چنین آمده: «من تکهن او تکهن له فقد برء من دین محمد» شخصی که خود کھانت کند یا نزد کاهن و پیشگویی برود از اسلام

۱. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۹۲.

۲. مکاسب شیخ انصاری ج ۲ باب کھانت و تنجیم

خارج است^١ اصولا اسلام برای تبلیغ و پیشرفت خود نیازی به روشهای که توام با خرافات باشد ندارد.

١٣. احترام به شان و مقام کارگر و کسب و کار

کسب و کار حلال و درآمد مشروع در اسلام برای تمدن سازی و کمال انسان یک ضرورت است؛ کارگر نیز در اسلام دارای احترام و مقامی بس ارجمند است به طوریکه در تعبیر معروف "الکاسب حبیب الله" دوست خدا خوانده شده است این عبارت گرچه روایت نیست اما برآمده از فهم درست از قرآن و سنت است و دین نگاه پر از احترام و تکریم به کار و کارگر دارد. پیامبر اسلام نیز مانند دیگران مسلمین در حفر خندق در جریان جنگ احزاب مشارکت داشتند و به کار کردن و عرق ریختن مباحات می کرد^٢ و دوست می داشت دیگران نیز چنین باشند ایشان می فرماید: «دنبال روزی حلال رفتن، بر هر مرد و زن مسلمان لازم است^٣. تا جای که روزی مردی تنومندی را دید و از بازو و قدرت بدنی او در شگفت شد و زمانی که از کار و شغل او پرسید و پاسخ منفی شنید که بیکار است فرمود از چشم من افتاد؛ قرآن کریم نیز بر اکل حلال و طیب تاکید دارد و سفارش می کند: «کلو مما فی الارض حلالا طيبا» بقره ١٦٨ از رزق حلال و پاکیزه بخورید رزقی که از راه کسب حلال به دست آید. باز در جایی دیگر پیامبر خدا می فرماید: «الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل

١. وسائل الشیعه، ج ١٢، ابواب ما یکتسب به، باب ٢٦، ح ٢

٢. ابن هشام ج ٣ ص ٢٢٦ ابن سعد ج ٢ ص ٦٦ به نقل از دانشنامه جهان اسلامی به آدرس

<http://rch.ac.ir/article/Details?id=٨٧٩٨>

٣. بحارالانوار، ج ١٠٣، ص ٩.

٤. جامع الاخبار، ص ١٣٩.

الله؛ کسی که برای اداره زندگی خانواده اش تلاش می کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می کند»^۱

۱۴. مولفه ی اخلاق در تمدن اسلامی

اخلاق در تمدن اسلامی عبارت است از باور و عمل به این قاعده زرین اخلاقی «آنچه را که برای خود می پسندی برای دیگر بپسند» بلکه بالاتر از این طبق مفاد این آیه قرآن آنجا که می فرماید «بهرتر از آنچه برای خود می خواهی برای دیگری بخواه» (آل عمران ۹۲). اساسا در جامعه وقتی اخلاقیات رشد کند و مردم با معیارهای ارزش اخلاقی آشنا و به تربیت اخلاقی آراسته باشند سطح امنیت و اعتماد در جامعه بالا رفته آنگاه تعاملات و ارتباطات اجتماعی بر مبنای حسن ظن، شکل می گیرد؛ پیدایی چنین فرهنگ متری که بالاتر از قانون مندی در یک نظم اجتماعی است به پویایی هر چه بیشتر تمدن متبلور در یک نظام واره کمک خواهد کرد و جامعه در مسیر پیشرفت و توسعه شتاب خواهد گرفت؛ اساسا رشد اقتصادی و سیاسی در سایه رشد اخلاق محقق خواهد شد و در مقابل اگر اخلاق در تمدن اشراب نشده باشد سیطره قانون نیز کاری از پیش نخواهد برد و توسعه حقیقی در تمام ابعاد جامعه چه مادی و معنوی شکل نخواهد گرفت. مطالعه تمدن های که از بین رفتند همچنین بررسی وضعیت تمدن غرب معاصر نشان می دهد این تمدن در تربیت انسان و رشد معنوی و اخلاقی ناکام بوده است به طوریکه که اگر یک روز کنترل دوربین ها و پیگرد قانونی نباشد دیده شد چگونه مردم به فروشگاه های زنجیره ای و مراکز تجاری حمله ور شده و دست به غارت و تخریب زدند. اوضاع فعلی کشور فرانسه^۲ که خود را مهد آزادی و تمدن غرب معرفی می کند و قیام مردم در برابر امپریالیسم و اعتراض مردمی به انحصار قدرت انباشت ثروت در طبقه خاصی از اجتماع و سرکوب مردم به بدترین شکل نمونه آشکار دیگری از این ناکامی غرب در پیشروی تمدنی و الگو بودن است.

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۲.

۲. دسامبر ۲۰۱۸ و ژانویه ۲۰۱۹

اما چرا اخلاق جایگاه خود را در تمدن غرب از دست داده است؟ در پاسخ به این سوال باید گفت گسترش تمدن در جهات مادی سریع تر از جهات اخلاقی و معنوی در غرب بوده است و آنگاه که فتوحات و اکتشافات زیادی در حوزه توسعه در تمدن غرب رخ داد ارزش های اخلاقی در میان انبوه اختراعات و اکتشافات دفن شد در این فرایند این ایده به طور طبیعی مقبول واقع شد که تمدن یک پیشرفت مادی است و مستقلا می تواند به اهداف خود برسد بی آنکه نیازمند گوهر اخلاقی باشد در واقع آنچه در این دروه یا برهه از تاریخ مورد تاکید بود صرفا امیال غریزی بود که می بایست ارضا و اشباع می شد و اخلاق محلی از اعراب نداشت، تفکیک اخلاق از تمدن در غرب در عصر مدرنیته باعث در آمیختن ارزش های حیوانی و خیالی با ارزش های حقیقی و انسانی شد و در پی آن توان جوامع در حل معضلات بشری ضعیف تر گردید و سرانجام حوادثی رخ داد که از عقلانیت، نظم و برنامه عاری بود^۱

به عقیده آشویتسر تنها با تجدید اخلاقی می توان تعارض میان امیت ها را کم کرده و راه را برای صورت بندی تمدن حقیقی فراهم آورد^۲

مولفه های اخلاقی تمدن اسلامی عبارت است از :

۱. نجابت و پاکدامنی

در اسلام نجابت و پاکدامنی گوهری است که می تواند انسان را در برابر آسیب های و امیال شهوانی بیمه می کند و برای انسان در برابر خطا و لغزش های اخلاقی و معاشرتی مصونیت به بار می آورد است این پاکدامنی فضیلتی بزرگ به شمار می رود چرا که روح انسان را صفا و جلا داد و بشر با طهارت قلب به امنیت و آرامش روحی و فکری می رسد وجود چنین

۱. البرت اشفیتسر فلسفه الحضاره ترجمه عبد الرحمن بدوی بیروت دار الاندلس لطباعه و النشر ۱۹۹۷ م

۱۴۱۸ هـ ص ۳۴ - ۴۰

۲. همان ص ۵۲ - ۶۲

امنیتی در جای جای نظام تمدنی یک عنصر حیاتی و رمز شکوفایی و درخشش یک تمدن به شمار می رود؛ امروز جوامع غرب نا امن ترین جوامع بشر در این شاخصه هستند هر چند از لحاظ تمدنی یعنی دستاوردهای مادی، پیشرفت در صنعت و تکنولوژی در رتبه‌ی بالایی باشند دستاوردهای که نه تنها امنیت و آرامش به همراه نداشته بلکه امنیت و آزادی و حریم خصوص افراد را به مخاطره انداخته است.

۲. غیرت و تعصب

این صفت به معنای بازشناسی خود و معرفت نفس است که اخلاقی بودن را برای انسان به ارمغان می آورد و به معنای هوش بالای اخلاقی در درون انسان است که بر اساس آن فرد می تواند کار درست از نادرست، خوب و بد را از یکدیگر تشخیص دهد « فالحما فجورها و تقوها» که قرآن می گوید، موید همین معناست. قوه تمییز و تشخیص است که خلاقیت و حل مسئله را در پی خواهد داشت در پرتو آن است که انسان برای چالش های اخلاقی خود برون رفتی می یابد. عدم نژاد پرستی و پذیرش حق و حقیقت از شاخصه های این فضیلت اخلاقی است؛ این عزت نفس و کرامت نفس است که احترام متقابل و اعتبار برای افراد و آحاد جامعه را در پی خواهد داشت.

۳. نوع دوستی و نوع پرستی

نوع دوستی و یا دیگر-گرویی در ادبیات دینی دیگران را بر خود مقدم داشتن است که در آیات قرآن، سنت و سیره پیامبر مشهود است، حس دوست داشته شدن در جامعه حس تعلق است که همه افراد کم و بیش دارند چنین حسی است که دوستی را شکل می دهد وجود چنین پیوندی بین افراد اجتماع در چهارچوب اخلاق و شرع به هم افزایی در تولید و اشتغال و پیشرفت در همه عرصه های علم و فن آوری و تکنولوژی، به استحکام نهاد اخلاق، نهاد خانواده، تعالی نهاد بهداشت و سلامت و ترقی نهاد آموزش و پرورش کمک شایانی می کند و بهره وری بیشتری را موجب خواهد شد.

۴. حیات اخلاقی

اسلام نسبت به ارزش های والای اخلاقی در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی جایگاه مهمی قائل است در اسلام اخلاق در همه ابعاد زندگی انسان بایست حاکم باشد . جایگاه اخلاق و تربیت اخلاقی در اسلام به قدری ویژه و خاص است به طوریکه پیامبر اسلام هدف از رسالت و بعثت خویش را رسیدن به بالاترین قله های اخلاق یعنی مکارم اخلاق عنوان می کند «انی بعث لاتمم مکارم الاخلاق» اگر انسان تربیت شود جامعه تربیت خواهد شد و جامعه تربیت یافته، تمدن برتر را میسازد که در همه زمینه ها پیشرو باشد از طرفی سقوط اخلاق در یک جامعه سقوط فرهنگ و زوال تمدن آن را در بر خواهد داشت هر چند به ظاهر به لحاظ مادی پیشرفته ترین تمدن را دارا باشد؛ این سنت حاکم بر جامعه و تاریخ بشر است چون جامعه و تمدن هنگامی قادر است به حیات سعادت‌مندانه خود ادامه داده و به پویایی، رشد و تکامل برسد که اصول و ارزش های اخلاقی در آن جامعه رعایت شود^۱ تمدن اسلام دارای یک چنین هویت اخلاقی و دینی است و اخلاق و دین در آن به مثابه نخ اسکناس و نشانه حقیقت و اصالت آن است این مولفه نباشد جعلی است و افول و اضمحلال آن قطعی است. قرآن کریم دلیل نابودی امت و تمدن ها گذشته را طغیان و سقوط اخلاقی معرفی می کند در حافظه تاریخ نمونه های زیادی از این تمدن ها آمدند و رفتند چرا که به موازین دینی و اخلاقی آراسته و یا پایبند نبودند و بر مدار قانون هستی که بر درستی است سیر نمودند تمدن امویان عباس یان تمدن عثمانیان تمدن مسیحیان تمدن روم باستان ایران باستان.

تأثیرات اخلاقی-اجتماعی تمدن اسلامی

۱. ظهور و سقوط تمدن ها ص ۴۱۹

آثار اجتماعی عبارت است از تغییری که در فکر افراد، احساسات و نگرش آنان ایجاد شده بر رفتار ایشان در تعامل با دیگر افراد جامعه و گروه ها تاثیر گذار است تغییرات اجتماعی در تمدن اسلامی با مولفه های ذیل تعریف می شود

الف: حق آزادی در پرستش و عبادت خدای متعال

دین اسلام در مقایسه با سایر ادیان و مکاتب نسبت به امر عبادت و پرستش آزادی عمل بیشتری به بشر می دهد؛ عبودیت خدای متعال در اسلام یک عقیده فراگیر است یک مسلمان می تواند در تمام حالات و مشغول عبادت باشد؛ در خانه، محیط کار یا هر جای دیگر فرقی نمی کند افراد صرف نظر از هر موقعیت شغلی، اجتماعی و یا اقتصادی شان، می توانند به عبادت بپردازند؛ اصل آزادی در اسلام یک اصل واقعا مترقی است؛ معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران نیز در بیانات خود به چنین اصلی به خوبی اشاره کرده می گوید: « مملکت متمدن آن است که آزاد باشد و مطبوعاتش آزاد باشند در اظهار عقانید و آرائشان» (امام خمینی، دیدگاه های فرهنگی، ص ۵).

اما آزادی در دین تعریف خاص خود را دارد؛ آزادی در اسلام یعنی احترام به حریم خصوصی و شخصی افراد، گستره این آزادی تا آنجاست که با آزادی دیگران تعارض نداشته باشد و آنرا محدود نکند آزادی در اینجا آزادی به معنای لا ابالی گری و بی بند وباری نیست در تمدن اسلامی انسان ها آزاد نیستند درباره دیگران هر گونه خواستند قضاوت کنند چه مثبت و چه منفی؛ مانند اینکه صورت نماز و عبادات یک مسلمان به عنوان تنها معیار سنجش تقوا و خوبی او نمی تواند باشد اسلام برای قضاوت درباره افراد عیار بالاتری را معرفی می کند و علاوه بر ظاهر عبادات توجه مردم را به نیت و کمالات دیگری که باید داشته باشند، جلب می کند. در اسلام صرفا صورت ظاهر انسان و عبادات او نیست که باید آراسته باشد بلکه در تجارت و معاملات نیز می بایست دارای خلق نکو و سیرتی زیبا نباشد به همین دلیل معیاری که در اسلام برای قضاوت درباره دیگران معرفی می شود صرفا قضاوت بر اساس ظاهر و صورت عبادت افراد و یا میزان التزام آنان به عبادات نیست بلکه سیرت، گفتار و کردار آنان نیز بایست در داوری و قضاوت ملاک قرار بگیرد.

ب) عدالت اجتماعى

اصل مساوات و آزادى در اسلام داراى بنیان مستحکمی است. اسلام در ضمن اینکه بر سلامتی جسم تاکید دارد در عین حال برای سلامتی و روح و حیات معنوی و اخلاقی انسان و جامعه اهمیت فراوانی قائل است؛ در عین آنکه به عبادات فردی مانند نماز و روزه فرمان می دهد در کنار آن سایر وظائف اجتماعى مانند خمس و زکات (خراج و مالیات دینی و مذهبی) نیز واجب کرده است؛ در یک جا به اشتغال و کسب روزی حلال امر می کند^۱ در عین حال با انباشت مال و ثروت و عدم انفاق آن در راه خدا به دلیل آثار و تبعات فردی و اجتماعى و تعارض آن با حقوق و رفاه دیگر افراد جامعه مخالف است و از این کار نهی می کند^۲، تجارت را می ستاید اما همه انواع بیع و شراء را جایز نمی داند مانند اینکه در اسلام معامله ربوى حرام است «احل الله البیع و حرم الربا» (بقره ۲۷۵) بازار در تمدن اسلامى داراى نقش کلیدی در داد و ستد و شکوفای اقتصاد و تامین معیشت مردم دارد اما داراى مقررات و احکام دینی خاص به خود است که در فقه شیعه تحت عنوان "احکام معاملات" از آن یاد می شود و بدون آشنایی ورود در آن برای مسلمان روا نیست. "الفقه ثم المتجر" از دستورات پر تاکید دین برای سلامت معاملات و در پی آن سلامت جامعه است.

نتیجه گیری

۱. ای کسانی که ایمان آورده اید اموال یکدیگر را به باطل (از راه نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتی با

رضایت شما انجام بگیرد. نساء ۲۹

۲. و کسانی که طلا و نقره پنهان می سازند و در راه خدا انفاق نمی کنند به مجازات دردناکی بشارت ده. توبه

تمدن اسلامی از ظرفیت های تمدنی بسیار بالایی نسبت به رقبای خود برخوردار است چرا که آموزه های اسلام جهانی است و مورد قبول طبع همگان می باشد و بر وفق دینی است که پایه و اساس آن بر توحید استوار است.

تمدن اسلامی دارای شاخصه هایی است که ریشه در اصول مرفقی هستی شناختی و معرفت شناختی و انسان شناختی اسلام دارد و همه توحیدی است و جاودانگی در ذات آن است اما به معماری نیاز دارد که با شناخت کامل از چنین ظرفیتی استفاده کرده تا بتواند تمدن سازی کند معمار این تمدن انسان است و برنامه او اسلام و زمینه تحقق چنین تمدنی زمین و دنیاست که راه آخرت از آن می گذرد. در گذشته تعالی این تمدن و در اوج بودن مرهون درک صحیح مسلمین از اسلام و عمل به آموزه های آن بود اما در عصر حاضر چنین برداشت از اسلام وجود ندارد این پژوهش در حد مضاعف خود تلاشی بود برای کمک به بازایی این درک صحیح که تا نباشد انگیزه ی برای اوج گرفتن دوباره تمدن اسلام شکل نمی گیرد و جوامع مسلمان را مقلد غرب خواهد کرد و به انحراف خواهد کشاند

تمدن اسلامی یک تمدن پویا برآمده از نگاه توحیدی مبتی بر فطرت پاک و قانون هستی است که بر درستی بنا گردید است و به انسان کمک کند در پرتو عمل به آموزه های مرفقی دین حداکثر ظرفیت های بالقوه خود را به فعلیت برساند و برای آبادانی معاش و معاد خود از آن بهره کافی را ببرد انسان در تمدن اسلامی اشرف مخلوقات عالم، دارای اختیار تکلیف و مسولیت است موجودی است متشکل از جسم و روح و هر دو نیازهای دارند که بایست به بهترین شکل توانمان تامین گردد فلسفه آفرینش انسان در این تمدن رسیدن به کمال حقیقی است که در سایه معرفت و عبادت حاصل می شود.

دین در تمدن اسلامی مهمترین مولفه به شمار می رود و یک امر شخصی نیست بلکه آمده تا تمدن سازی کند و دنیا و آخرت بشر را آباد نماید دین اسلام پاسخگویی تمام نیازهای بشر بوده و رشد مادی و تعالی معنوی بشر را کاملاً لحاظ کرده است به همین دلیل از هیچ نکته ای در تربیت انسان و جامعه برای پیشرفت مادی و معنوی غفلت نکرده است و موانع و

مشكلات سر راه تكامل انسان و اجتماع را نه تنها گوشزد نموده بلکه برای رفع آن كوشیده است

اخلاق و تربیت اخلاقى در اسلام يك اصل بنیادین برای تمدن سازی است و به مثابه روح و جان برای متمدن به شمار می رود و در سایه آن است كه اعتماد در جامعه شكل می گیرد و اتحاد و همبستگی حاصل می شود و جامعه به رشد و تعالی و ترقی می رسد بهبود معیشت و رفاه مادی در تمدن اسلامی يك ضرورت برای تعالی معنوی انسان است و تا آن تامین نگردد انسان به كمال نخواهد رسید

در تمدن اسلامی دین و سیاست و دنیا و آخرت و دین و اخلاق دارای پیوندی ناگسستنی است و چنین پیوندی به اتحاد و همبستگی جامعه كمك کرده و به زندگی معنا می بخشد و زمینه را برای پیشرفت در تمام حوزه های مادی و معنوی فراهم می آورد.

از مهمترین ویژگی های بارز تمدن اسلامی در مقایسه با غرب وجود اصل امر به معروف و نهی از منكر است كه با ریشه كن كردن فقر و فساد و تبعیض حیات جامعه و سلامت آنرا تضمین کرده امنیت به بار می آورد و مسیر جامعه را برای پیشرفت همواره می سازد.

تمدن اسلامی يك تمدن باز و بخشنده نسبت به سایر تمدن هاست و نگاه اسلام در فتوحات نیز تاکید بر تزکیه و تعلیم و تربیت ملل غیر مسلمان است است برخلاف آنچه در استعمار دیده می شود كه چیزی جز استثمار و انحصارگرایی نیست

فهرست منابع

۱. قرآن کریم ترجمه مکارم شیرازی
۲. البستانی پطرس دائرة المعارف "قاموس عام لكل فن و مطلب" بیروت دار المعرفه بی تا
۳. ابن سعد، محمد، بی تا، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر.
۴. ابن هشام، سیره ابن هشام، بیروت دار المعرفه، بی تا
۵. اسلامی ندوشن، محمد علی فرهنگ و شبه فرهنگ، تهران انتشارات یزدان، ۱۳۷۱
۶. البرت اشفیتسر فلسفه الحضاره ترجمه عبد الرحمن بدوی بیروت دار الاندلس لطباعه و النشر ۱۹۹۷ م ۱۴۱۸ ه
۷. برنال، جان، علم در تاریخ، ترجمه اسد پور و دیگران، تهران امیر کبیر ۱۳۵۴
۸. جان احمدی فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، معارف. ۱۳۸۶
۹. جعفری، محمد تقی فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو تهران انشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳
۱۰. چنگیز پهلوان، فرهنگ و تمدن، تهران، نشر نی ۱۳۸۸
۱۱. شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیل اسلام، تهران، نشر دانشگاهی ۱۳۶۹
۱۲. داوری اردکانی، رضا، اتوبی و عصر تجدد، تهران، ساقی ۱۳۷۹
۱۳. امام خمینی ره، دیدگاه های فرهنگی امام، تهران، انتشارات ذکر ۱۳۷۴.
۱۴. همو، صحیفه روح الله، تهیه و تنظیم: رسول سعادت مند، قم، تسنیم ۱۳۸۵
۱۵. همو، ولایت فقیه، تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام ره ۱۳۸۰
۱۶. دورانت، ویل تایخ تمدن ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران تهران سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸
۱۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیر کبیر ۱۳۶۰ چاپ چهارم.
۱۸. کاشفی، محمد رضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، انتشارات مرکز جهانب علم اسلامی ۱۳۸۴
۱۹. کرمی فریدونی، علی، ظهور و سقوط تمدن ها از دیدگاه قرآن، قم، نسیم انتظار ۱۳۸۵

٢٠. كلینی ، محمد بن یعقوب ، الکافی، تهران ، اسلامیه ، چاپ دوم ١٣٦٢
٢١. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ١٣٥٨.
٢٢. مجلسی محمد باقر (١٤٠٤ق) بحار الانوار ، بیروت ، نشر موسسه الوفاء. ١٤٠٣
٢٣. بابایی، حبیب الله؛ تبار شناسی مفهوم تمدن در غرب جدید آیین پژوهش، سال بیست و هشتم ش اول فروردین و اردیبهشت ٩٦
٢٤. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران ناشر دار الکتب الاسلامیه ١٣٧٤
٢٥. نصر، سید حسین، دین و نظم طبیعت ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، نشر نی ١٣٨٥.
٢٦. نصر، محمد عارف، الحضاره الثقافه المدنیه دراسه لسیره المصطلح و و دلاله المفهوم بی جایی تا.
٢٧. ولایتی، علی اکبر ، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ١٣٨٤
٢٨. هانتینگتون، ساموئل، نظریه برخورد تمدن ها ترجمه محبتی امیری تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل ١٣٧٤
٢٩. Bruce Mazlish, civilization in a historical and global perspective international Sociology ٢٠٠١.
٣٠. Civilization and Ethics , Albert Schweitzer , ٣rd Edition, London .
- Adam and charles Black